



مدیریت علمی، مدیریت اسلامی و مدیریت جهادی

علی راستی^۱

چکیده:

از مباحث مهم اعتقادی جامعه اسلامی که مبنای بسیاری از رشادتها و از خودگذشتگی‌ها گرفته شده است بحث جهاد در راه خداوند بجهت حفظ دین، و برپایی اسلام بوده و هست. در مبانی فقهی به جهاد فی سبیل الله تاکید گردیده و جهاد یکی از فروع دین می باشد. در مباحث مدیریتی خصوصاً مدیریت اسلامی که نشأت گرفته از مدیریت خداوند تبارک و تعالی بر جامعه اسلامی می باشد مبحث جهاد جایگاه ویژه ای دارد.

تکیه بر اعتقاد مذهبی و دینی مبنای حرکت‌های جهادی و استشهادی را تشکیل داده و زمانیکه انسان روح و جسم خود را با مبانی غنی اسلامی آغشته نموده و از سرچشمه جوشان الهی سیراب می گردد فعالیت او رنگ خدائی می گیرد و بر این اساس هر فعل و عمل او قبل از اینکه با امور دنیوی محک زده شود با معیارهای دین سنجیده می شود با این چنین روحیه ای ششجاعت، شهامت، سلامت و مجاهدت افزایش یافته و حادثه ای می آفریند چون کربلا

در این مقاله پس از تشریح مبانی فقهی جهاد از دیدگاه معصومین (ع) به بیان اصول مدیریت علمی، تئوریهای موجود و منشاء پیدایش آن و سلسله مراتب مدیریت از دیدگاه علوم روز پرداخته و سپس جایگاه مدیریت اسلامی و سلسله مراتب آن را از دیدگاه نگارنده بیان نموده و با تشریح مدیریت جهادی مقایسه بین اصول مدیریت علمی و مدیریت جهادی می پردازیم. در پایان نمونه‌های از جهاد فی سبیل الله از صدر اسلام و در دوران معاصر بویژه جنگ تحمیلی را بیان می نمایم.

کلمات کلیدی: مدیریت علمی، جهاد، مدیریت اسلامی، جایگاه مدیریت جهادی

۱- مقدمه:

اسلامی بهترین و برترین نوع دموکراسی نشأت گرفته از تعالیم الهی در جهت تعالی بشریت و رساندن وی به مقام خلیفه اللهی می باشد.

بهترین نسخه مدیریتی بشریت در دوران حیات پر برکت پیامبر اسلام (ص) و امیر المومنین علی (ع) انجام گرفته که در برگیرنده تمامی تئوریهای روابط انسانی و انگیزشی می باشد و به جرات می شود گفت که تنها مدیرانی بودند که جامعه (سازمان) را بطور کامل و از همه زوایا شناخته اند اما صاحب نظران مدیریت بعد از مدیریت علمی تا کنون هر کدام جزئی از جامعه (سازمان) را مورد بررسی قرار داده اند

آنچه در بحث مدیریت اسلامی مطرح است حاکم بودن ارزش‌های اسلامی و معیارهای الهی بر مدیریت در کنار بهره‌مندی از چارچوب‌ها و ساختارهای علمی و مدیریتی می باشد، یعنی اگر علم مدیریت برای داده‌های خود از احکام، راهکارها و ارزش‌های اسلامی بهره‌مند گردد، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت. در واقع به نظر می‌رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های تعالی و شکوفایی انسان را فراهم می‌آورد. این

کارشناس ارشد مدیریت فن آوری اطلاعات، دانشگاه سیستان و بلوچستان^۱



امر چه در سطح جامعه (مدیریت و رهبری در جامعه اسلامی) و چه در سطح سازمان (مدیریت و رهبری سازمانی) مصداق دارد که نمونه آن در تغییر نوع نگاه به انسان ها در سازمان، از نگاه منابع به انسان در کنار دیگر منابع سازمانی، به نگاه سرمایه ارزشمندی که با پرورش آن مسیبات خلاقیت و نوآوری در سازمان فراهم خواهد شد.

(روح الله تولایی: ۱۳۸۷)

مدیریت اسلامی از دو مفهوم عمده تشکیل می شود: یکی مدیریت که حکایت از یک نوع دانش بشری دارد و یکی هم پسوند اسلامی که حکایت از یک نوع گرایش دینی این دانش دارد و در واقع می توان گفت که مدیریت اسلامی حکایت از یک نوع پیوند و رابطه ای میان این دو مفهوم و میان علم و دین دارند. مفهوم دین ۹ سطح پیدا می کند که شامل موارد قرآن کریم، روایات پیامبر (ص)، کتب احادیث، برداشتهای دینی علما، رفتارهای فرهنگی و تمدنی مسلمین، دست آوردهای علمی دین، دست آوردهای عقلی دین، و دست آوردهای تجربی درباره دین می باشد

(محمد علی رضائی ۱۳۸۷)

۲- جهاد :

۲.۱ معنای لغوی و اصطلاحی جهاد:

کلمه جهاد برگرفته از ریشه «جهد و جهد» به معنای مشقت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است که بیانگر تلاش حداکثری و بی وقفه می باشد. این واژه مقدس در فرهنگ ۱۴۰۰ ساله دین مبین اسلام همواره بعنوان یکی از فروع دین مطرح بوده و یاد آور واژه زیبای شهادت می باشد. در اسلام به دو مفهوم بارزش اصول دین و فروع دین مواجه هستیم: که در اصول دین هیچ گونه تقلید جایز نبوده و فرد باید خود به مبنای اعتقادی آن دست یابد. اما در فروع که ۱۰ مورد می باشد فرد یا باید خود مجتهد باشد یا باید از مجتهد جامع شرایط تقلید نماید. جهاد بدو نوع است 1- صبر: جهاد بانفس که از آن به عنوان جهاد اکبر نیز یاد میشود 2- مبارزه با مخالفان: جهاد فی سبیل الله که به جهاد اصغر معروف است.

۲.۲ جهاد از دیدگاه معصومین (ع)

حضرت رسول اکرم (ص):

أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ أَصْبَحَ لَيْهَمٌ يَبْطُلِمُ أَحَدٌ؛ بَرْتَرِينَ جِهَادِ أَنْ اسْتَأْنَسَ رَوْزِ خَوْذِ رَا أَعَاژِ كَنْدِ دَرِ حَالِي كِه دَرِ
اندیشه ستم کردن به احدی نباشد. (محاسن، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱۴۴۹)

امام علی (ع): إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةٍ أَوْلِيَاءِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجَنَّتُهُ
الْوَثِيقَةُ؛ براستی که جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد
جامه تقوا و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست. (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

امام باقر (ع): لَا فَضِيلَةَ كَالْجِهَادِ ، وَلَا جِهَادَ كَمُجَاهَدَةِ الْهَوَى؛ فضیلتی چون جهاد نیست ، و جهادی چون مبارزه با
هوای نفس نیست. (تحف العقول، ص ۲۸۶)

۳- مدیریت علمی

۳۰۱- تعاریف مدیریت علمی :

مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می



گیرد. تعریف مذکور، پنج قضیه اساسی ذیل را که زیربنای مفاهیم کلی نظری و عملی (فنی) مدیریت است در بردارد:

- ۱- مدیریت یک فرآیند است.
 - ۲- مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.
 - ۳- مدیریت مؤثر، تصمیم های مناسبی می گیرد و به نتایج مطلوبی دست می یابد.
 - ۴- مدیریت کار به تخصیص و مصرف مدبرانه منابع می گویند.
 - ۵- مدیریت بر فعالیتهای هدفدار تمرکز دارد.
- اما مدیریت از نظر روزا بٹ موس کانتر مدرس دانشگاه هاروارد: عبارتست از عمل توازن بین فعالیت های مختلف شرکت: کاهش فعالیت ها و افزایش فعالیت ها. حذف فعالیت های زاید و ساختن فعالیت های مرتب به طور همزمان، انجام کارهای بیشتر در زمینه های جدید با منابع کمتر (کاتلر، ۱۳۸۵: ۱۴۲).
- در خصوص اهمیت مدیریت در زندگی اجتماعی نیز، پیتر دراگر گفته است: «مدیریت مؤثر جز منابع اصلی توسعه ملت ها شده و مهم ترین منبع برای توسعه ملت ها محسوب می شود» لذا اعمال مدیریت توسط مدیر در موفقیت یک سازمان نقش بسزایی دارد، هرچه سازمان پیچیده تر باشد، نقش مدیریت دشوارتر خواهد شد. به عبارت دیگر مدیریت یعنی تصمیم گیری در زمان مناسب، با افراد مناسب در جایی که فعالیت در آن جریان دارد (میرابی، ۱۳۸۲: ۱۰).

۳.۲- اصول مدیریت علمی :

اصل، مجموعه دستورات عملیاتی است که هنجارهای رفتاری را کنترل می کند و تحت نظم قرار می دهد. اصل آغاز حرکت است و قبل از حرکت باید آنها را کنترل کرد مانند اصول راهنمایی و رانندگی

اصول مدیریت نیز مجموعه ای از دستورات عملیاتی است که یک مدیر باید انجام دهد تا در موفق باشد :

در سال ۱۹۱۶ میلادی صنعتگری فرانسوی به نام هنری فایول کتاب برجسته خود با عنوان "مدیریت صنعتی و عمومی" را منتشر کرد. وی نظریه ای مستقل از نظریه مدیریت علمی فردریک تیلور، با نام مدیریت اداری ارائه نمود و کوشید تا جاذبه های تازه تری را برای جنبش نظریه اداری دست و پا نماید.

اصول چهارده گانه فایول عبارت بودند از:

- ۱- تقسیم کار
 - ۲- اختیار و مسؤلیت
 - ۳- انضباط
 - ۴- وحدت فرماندهی
 - ۵- وحدت هدف و جهت
 - ۶- تبعیت
 - ۷- دستمزد پرسنل
 - ۸- تمرکز
 - ۹- سلسله مراتب
 - ۱۰- نظم
 - ۱۱- عدالت
 - ۱۲- ثبات و ماندگاری در شغل
 - ۱۳- ابتکار
 - ۱۴- روحیه اتحاد و جمعی
- هانری فایول اولین کسی بود که فراگرد مدیریت را به وظایف یا کار کرد ها تقسیم و تعریف کرد او پنج وظیفه ی اساسی را در مدیریت تشخیص داد

- ۱- برنامه ریزی ، یعنی پیش نگری و تدارک وسایل برای عملیات آینده
- ۲- سازماندهی ، یعنی ترکیب و تخصیص افراد و منابع دیگر برای انجام دادن کار
- ۳- فرماندهی ، یعنی هدایت و جهت دهی افراد در انجام دادن کار.
- ۴- هماهنگی ، یعنی به هم پیوستن و وحدت بخشیدن همه ی کوشش ها و فعالیتها.
- ۵- کنترل ، یعنی رسیدگی به اینکه آیا کلیه امور طبق مقررات و دستورات صورت می گیرند یا نه



۴- مدیریت اسلامی

از دیدگاه قرآن و روایات، مدیریت نقش اول را در تغییر و تحولات اجتماعی بر عهده دارد. حضرت محمد (ص) می فرمایند: دو صنف هستند که هرگاه صالح باشند، امت صالح خواهند بود و هرگاه فاسد شوند امت فاسد خواهند شد این دو صنف علما و امیران جامعه هستند.

شیوه‌های مدیریت و رهبری تابعی از ارزش‌های حاکم بر بافت سازنده یک جامعه یا تمدن می‌باشد. از همین رو چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده در جامعه، خود شیوه خاصی از مدیریت را اقتضا می‌کند. با عنایت به لزوم حاکمیت ارزش‌های الهی در سازمان‌های اسلامی، لازم است تا شیوه خاص مدیریت اسلامی نیز در آنها اجرا گردد تا به موفقیت‌های منحصر به فرد خود، که همان تعالی انسانی می‌باشد، دست یابند (روح الله تولایی ۱۳۸۷)

در این شیوه از مدیریت انگیزه‌های فردی و گروهی جهت دهنده نیست، جهت دهنده، ارزش‌های الهی و انسانی است؛ از این رو همه تلاش‌های مدیر بر مبنای حق در جهت آرمان‌های حق خواهی و حق جویی است و اگر بر سر دوراهی حق و حکومت قرار گیرد، قطعاً حق را انتخاب می‌کند

۴.۱- تعاریف مدیریت اسلامی

اگر بخواهیم تعریفی از مدیریت اسلامی داشته باشیم میتوانیم بگوئیم:

"شیوه به کار گیری منابع انسانی و امکانات مادی، بر گرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است." از مهمترین آموزه‌های اسلامی که به آنها در حدیث ثقلین همه اشاره کرد:

پیامبر اسلام که خود الگوی تمام مسلمین در همه زمینه‌ها می‌باشند در حدیثی به معرفی الگوهای پس از خود برای مسلمین می‌پردازند.

(انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض) همانا در بین شما مسلمانان دو چیز گرانبها گذاشتم. کتاب خدا قرآن و اهل بیتم. پس همانا این دو جدا نمی‌شوند تا اینکه بر حوض وارد شوند.

با توجه به این توضیحات می‌توانیم بگوئیم که در تمام مراحل تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات باید اصول اعتقادی اسلام را در نظر گرفت و از تعالیم اسلامی از قبیل قرآن کریم بعنوان یک کتاب آسمانی انسان ساز و همچنین احادیث و روایت موجود از پیامبر اکرم (ص) (و ائمه اطهار (ع) استفاده نمود و در حقیقت به علم مدیریت ارزش اسلامی را می‌افزائیم و مدیریت اسلامی را استخراج میکنیم.

اگر بخواهیم تعریف کاملتری از دیدگاه اندیشمندان اسلامی داشته باشیم چنین تعبیری را میتوان بیان کرد: "مدیریت اسلامی را در منابع اسلامی (قرآن و سنت) مورد بررسی قرار داده، آیات یا احادیثی را که سخن به صراحت یا اشارت درباره آنها دارد استخراج و جمع‌آوری کنیم و مضامین آنها را به عنوان پاسخهایی مطرح شده در علم مدیریت تلقی نمائیم و ضمناً سیره امامان معصوم (ع) را نیز به عنوان سنت عملی مورد توجه قرار دهیم و



بدین ترتیب، مطالب بدست آمده بعنوان راه حلهای ارائه شده از طریق دین برای مسائل مدیریت، تنظیم و تدوین گردد و به عنوان مدیریت اسلامی عرضه شود". (علیرضا ازدری ۲۰۰۹)

مدیریت اسلامی را چنین تعریف کرده اند:

«مدیریتی که زمینه رشد انسان به سوی الله (الی الله المصیر) را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امامان معصوم - علیهم السلام - و علوم و فنون و تجارب بشری، برای رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند را مدیریت اسلامی گویند». [مدیریت اسلامی، ص ۱۲]

امام رضا - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

«والی مسلمین، همانند ستون وسط خیمه است که اولاً، تمام بار سقف بر روی آن استوار است و ثانیاً، مانند نقطه مرکزی دایره شعاعش نسبت به همه ی جوانب یکسان است، به طوری که هر کس در هر زمان و از هر طرف که اراده کند به آن دست رسی دارد». [بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۶۹]

۴.۲- اصول مدیریت اسلامی

الف- ضرورت وجود مدیر در جامعه اسلامی : در بررسی ابعاد زندگی پیامبر وائمه معصوم این موضوع نمایان است که مدیریت ورهبری جامعه اسلامی از مهمترین اهداف و مورد تأیید آنها بوده است چنانچه امیر مومنان می‌فرمایند:

حضرت علی - علیه السلام - در ضرورت مدیریت می‌فرماید:

«مردم از امیر حاکم (مدیر) ناگزیرند، چه خوب و چه بد». [نهج البلاغه، خطبه ۴۰]

هم‌چنین می‌فرماید:

«والی ظالم و غاصب بهتر است از فتنه و آشوبی که تداوم یابد». [تصنیف غرالحکم، ص ۴۶۴]

امام رضا - علیه السلام - نیز می‌فرماید:

«ندیدیم گروهی از مردم و ملتی از ملت‌ها، زندگی بادوام داشته باشند، مگر این که سرپرست و قیّم داشته‌اند؛ زیرا در امر دین و دنیا، چاره‌ای جز وجود سرپرست و پیشوا نیست». [بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۲]

ب- برنامه ریزی

سلام دین جامع و کامل وعبارتی تکمیل کننده تمامی ادیان بوده است و تمامی ابعاد وجودی انسان را مد نظر قرار داده است و جهت آن برنامه ریزی می‌نماید. برنامه ریزی در مدیریت اسلامی هم از بعد منوی و هم از بعد مادی مورد نظر می‌باشد

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود:

در دنیا - از نظر اقتصاد و صرفه جوئی و... - چنان برنامه ریزی کن مثل آن که می‌خواهی همیشه دوام داشته باشی، و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل این که فردا خواهی مُرد (بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۱۳۸)



ج- سازماندهی :

فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم و انضباط است، سازماندهی جایگاه ویژه‌ای دارد. تقسیم کار، تحدید وظایف، جلوگیری از تداخل امور، و اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، از مسائلی هستند که اسلام برای سعادت انسان ضروری می‌داند

بررسی غزوات پیامبر و جنگهای امیرالمومنین وسایر ائمه نشاندهنده آن می باشد که معصومین (ع) در تمامی مراحل جنگی سازماندهی بسیار خوبی داشته اند . در هنگام مهاجرت رسوا خدا(ص) به مدینه اولین کار که ایشان انجام دادند سازماندهی انصار ومهاجر و ایجاد عقد اخوت بین آنها بوده است
امیرالمومنین به مالک می فرمایند:

«ای مالک در کار کارمندان با دقت بنگر و آنان را پس از آزمایش به کار بگمار». [نهج البلاغه، نامه ۵۳]

د - فرماندهی

فرماندهی و مدیر جامعه اسلامی باید این مشخصات را دارا باشد

ایمان به هدف ، علم و قدرت، امانت و درستکاری، صداقت و راستی، حسن سابقه، وراثت صالحه، سعه صدر، دلسوزی و عشق به کار، تجربه و آزمودگی، شجاعت و قاطعیت، عدالت و دادگری، پایگاه مردمی، پای بند بودن به اصول و ضوابط

و- کنترل

یکی دیگر از ارکان مدیریت و از وظایف مهم مدیر نظارت و کنترل است. مدیر در حیطه نظارت، باید همه‌ی فعالیت‌های مجموعه را با برنامه‌ها بسنجد؛ چنانچه آنها با اهداف و برنامه‌ها تطابق داشته باشند، آن مجموعه، مجموعه موفق خواهد بود.

مولای متقیان حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید:

«حاکم باید برای اطلاع از مردم، به ویژه طبقه‌ی محروم جامعه، دستگاه خاص نظارتی داشته باشد تا از مشکلات زندگی آنها آگاهی یابد». [نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳]

«ای مالک از معتمدان خویش، کسی که خداترس و فروتن است، برای نظارت بر زندگی محرومان برگزین تا امورشان را به تو گزارش دهند». [نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳]

اسلام نظارت مستقیم را به آن مفهومی که مدیر در جزئی‌ترین مسائل شخصاً نظارت کند، نمی‌پذیرد؛ زیرا معتقد است مدیر با پرداختن به کارهای فرعی از کارهای اصلی باز می‌ماند. حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: «کسی که خود را به کارهای غیرمهم مشغول سازد، کارهای مهم‌تر را ضایع می‌سازد». [عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم]

ه- جهاد اقتصادی با اصلاح فرایند مدیریت

یکی از جهات بسیار مهم در جهاد اقتصادی، منظر و وجهه‌ی مدیریتی آن است. براساس اصول علمی دانش مدیریت، جهاد اقتصادی به دلایل مختلف هم دارای بعد عملیاتی و هم بعد استراتژیک می باشد. بعد عملیاتی از منظر بودجه بندی و بعد استراتژیک از منظر اینکه جهاد اقتصادی برای تمامی اعصار و دوران زندگی انسان است. توجه به امرار ومعاش خانواده توسط تمامی انبیاء و معصومین تاکید گردیده است .



لذا می بایست مدیران فرایندهای موجود ونحوه عمل خود را بصورتی برنامه ریزی نمایند که حداکثر بهره وری و سود آوری حاصل شود به بیان مقام معظم رهبری: از مسؤولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخش های دیگری که مربوط به مسایل اقتصادی می شود و هم چنین از ملت عزیزمان انتظار داریم که در عرصه ی اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و مجاهدانه داشته باشیم.

ایشان در قسمتی دیگر از سخنان خود مسئولان را به همدلی فراخوانده: انجام جهاد اقتصادی نیازمند روحیه جهادی، استحکام معنویت و تدین در جامعه بویژه در میان جوانان، پرهیز از مسائل حاشیه ای و حاشیه سازیها در کشور و حفظ اتحاد و انسجام ملی در میان مردم، مردم و مسؤولان و در میان مسؤولان است. و در نهایت نقشه راه و برنامه استراتژیک را بیان فرمودند: اگر نظام اسلامی توانایی خود را در حل مشکلات اقتصادی به دنیا و همه ملتها نشان دهد، این موضوع در پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تاثیر بسیار زیادی خواهد داشت.

۶- تفاوت مدیریت اسلامی با مدیریت غیر اسلامی

۶.۱- در مدیریت علمی سلسله مراتب مدیریت شامل سه سطح می باشد

-مدیران عالی (*Top Management*): این سطح از مدیریت، معمولا گروه کوچکی از مدیران را تشکیل می دهد؛ که مسئول اداره کل سازمان هستند. [رضاییان، ۲۸] آنان سیاست های کلی، برنامه های کلان، طرح های دوربرد و برنامه های راهبردی سازمان را تهیه و مصوب کرده و بر کلیت سازمان نظارت و هماهنگی اعمال می نمایند. [سلجوقی ۲۳]

-مدیران میانی (*Middle Management*): مدیران میانی، یک رده پایین تر از مدیران عالی هستند، به طور مستقیم به مدیریت رده بالا گزارش می دهند و پل ارتباطی بین مدیریت عالی و مدیریت عملیاتی سازمان را تشکیل می دهند. کار مدیران میانی، مدیریت سرپرستان است. آنها راهبردها و خط مشی های ارایه شده توسط مدیران را به هدف های ویژه و برنامه ها تبدیل می کنند و برای اجرا در اختیار مدیران عملیاتی قرار می دهند. این مدیران، بیشتر وقت خود را صرف حضور در جلسه ها و تهیه گزارش ها می نمایند. این مدیران، برنامه ریزی میان مدت می کنند و برای اظهار نظر مدیران عالی برنامه های جامع تر و بلندمدت آماده می کنند. [موسوی سریزده]

-مدیران عملیاتی یا سرپرستان: این مدیران، در پایین ترین سطح سازمان قرار می گیرند و افرادی هستند که مسئول کارهای دیگران هستند. آنها را مدیران نخستین سطح سازمان (*First Line Management*) می نامند. مدیران رده پایین سازمان، کارکنانی را سرپرستی می نمایند که هیچ نوع کار مدیریتی انجام نمی دهند. اغلب اوقات، مدیران رده پایین سازمان را سرپرست (*Supervision*) می نامند. [استونر ۲۱]

۶.۲- در مدیریت اسلامی (سلسله مراتب مدیریت اسلامی)

-خالق هستی: مدیریت عالی (خالق) جهان از آن خداوند متعال می باشد که هر آنچه هست از آن اوست و به سوی اوست (انا لله وانا الیه راجعون) وجود مقدس حضرت حق زمین و آسمان را خلق نمود و انسان را به عنوان



اشرف مخلوقات به خلیفه الهی برگزید تا عبادت پیشه نماید ورستگار گردد و تمامی چرخه روزگار در دست اوست و به بهترین نحو جهان را مدیریت می نماید

- پیامبران و امامان: از آنجائیکه انسان جهول و عجول است خداوند متعال واسطه های فیض خویش را برای هدایت انسان برگزید که اول آنها حضرت آدم (ع) و آخر آنها حضرت محمد (ص) لذا در سلسله انبیاء هدایت انسان به جانب حضرت دوست در دستور کار بود که چیزی جزء دین اسلام نبود. بعد از فوت شهادت گونه حضرت خاتم (ص) می بایست این انسان جهول و عجول هدایت گردد که خداوند تبارک و تعالی قبل از فوت آن حضرت در حجه الوداع این مطلب را بانزول آیه الیوم اکملت ... تمام نمود و نبی مکرم اسلام نیز در واقعه غدیر هدایت انسان ها را بعد از خود به امامان معصوم سپردند

- رواه حدیث (راویان حدیث) مراجع تقلید: بعد از غیبت امام عصر (ع) که در حقیقت در حال حاضر مدیریت جامعه به عهده ایشان می باشد حدود ۶۹ سال نواب خاص ایشان هدایت مردم را به واسطه از حضرت بقیه الله انجام می دادند. اما بعد از غیبت صغرا و شروع غیبت کبرا مدیریت جامعه خصوصاً جامعه اسلامی با واسطه حضرت صاحب (ع) به مرجعیت شیعه رسید و در حال حاضر مرجعیت شیعه و در راس آن ولی فقیه جامع شرایط مدیریت جامعه اسلامی را بر عهده دارند

۷- مدیریت جهادی و مفاهیم آن:

مدیریت جهادی مقوله ای است همزاد انقلاب اسلامی که آثار مبارک آن در فرازهایی از دوران دفاع مقدس و خصوصاً نهاد جهادسازندگی ظهور و بروز کرده است. فرآیندی که از ویژگی های برجسته آن ادای تکلیف و هم راستایی با اراده الهی در جهت تشکیل، حفظ و تحکیم پایه های حکومتی برآمده از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بوده است. مدیریت جهادی، یادگاری است گرانسنگ از دوران دفاع و حماسه، که در آن تهیه و تجهیز سرمایه های انسانی و مادی و برنامه ریزی فعالیت ها و انجام اقدامات، همه در فضایی برگرفته از آموزه های اصیل دینی صورت می گرفته است؛ که مهمترین ویژگی آن ذوب اراده انسان در اراده الهی بوده و البته نماد این امتزاج عاشقانه فرمانبری آگاهانه از ولی امر یا ولی فقیه زمان است. لذا از مؤلفه های کلیدی مدیریت جهادی، عقل و عشق است. به عبارتی مدیریت جهادی با بهره گیری از ابزار علم و فناوری و هم جهت با اراده الهی و بر اساس نقشه الهی به تمشیت امر و پر دازد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تجارب دوران دفاع مقدس و سازندگی روستاها و صدها موفقیت علمی و عملی دیگر در سطح کشور و حتی پیروزی مقاومت حزب الله لبنان در برابر رژیم تا دندان مسلح صهیونیستی، همه بیانگر کارآمدی مدیریت جهادی در عرصه های سنگین و پیچیده است. (عظیمی و حدائق، ۱۳۸۸)

۷.۱- اصول و قواعد مدیریت جهادی

می توان براساس منشور جامع مدیریت جهادی اصول وقواعد این نوع از مدیری ت را اینگونه تقسیم بندی کرد:

الف اصول ایجابی که شامل اصول زیر است:

۱- اصل حرمت انسانی

۲- اصل ضابطه گرایی

۳- اصل برابری انسانی در حقوق شهروندی



- ۴- اصل برابری در رفتار انسانی، رفتار سازمانی
 - ۵- اصل قشری محوری و گسترش رفاه عمومی و اجتماعی.
 - ۶- اصل مصلحت عمومی به عنوان محوری ترین ضابطه اداری کشور.
 - ۷- اصل توجه به نیاز ها و تامین تسهیلات مالی و معیشتی.
 - ۸- اصل رفاه و تامین اجتماعی.
- ب- اصول امتناعی با اصول زیر:
- ۱- اصل امتناع رابطه گرایی
 - ۲- اصل امتناع رانت دهی و رانت خوار پروری.
 - ۳- اصل امتناع عیب جویی و سفله پروری.
 - ۴- اصل امتناع اقتدار گرایی و یکه سالاری.
 - ۵- اصل امتناع جهت گیری طبقاتی و مردم گریزی.
 - ۶- اصل امتناع آزمندی انحصار گرایی در حوزه قدرت و ثروت.
 - ۷- اصل امتناع زورمندی (نظرنیا، ۱۳۸۶)
- ۸- نتیجه گیری :

مدیریت جهادی که نشأت گرفته از مدیریت اسلامی می باشد و فرهنگ جهاد و شهادت جزء لاینفک مدیریت اسلامی و از مهمترین فروعیات دین مبین اسلام میباشد نقش بسیار مهمی در تمامی عرصه های زندگی انسان داشته و دارد در زمان جنگ مردان و زنان جامعه اسلامی با حکم جهاد به میدان آمده و در زمان صلح و مسائل اقتصادی همه با هم جهاد اقتصادی را سرلوحه کار خود قرار می دهند. مدیر جهادی با ویژگیهای چون ایمان به آخرت، تقوای الهی، عدالت، نوع دوستی، آینده نگری، شهامت، شهادت، تمایل به علم و تقوا، تواضع و فروتنی و اعتماد بنفس حواث می آفریند که همیشه جاودانه و ماندگار می ماند مانند حادثه کربلا یا صلح امام حسن (ع) لذا شایسته است فرهنگ جهاد و شهادت بار دیگر همانند زمان جنگ در میان مدیران جامعه اسلامی احیاء گردد تا شاهد رشد و شکوفایی هر چه بیشتر علم و دانش، صنعت و تجارت و اجتماع اسلام باشیم



منابع ماخذ :

- [۱] استونر، جیمز و دیگران؛ مدیریت: مقدمه‌ای بر مدیریت در قرن بیست و یکم، برنامه‌ریزی، علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳، جلد اول، چاپ دوم، ص ۲۱
- [۲] ژدوری، علیرضا مدیریت در اسلام و مصادیق آن، مقالات علمی مدیریت www.SYSTEM.parsiblog.com
- [۳] تولایی، روح الله، ارائه الگویی جامع برای شناخت مدیریت اسلامی، همایش ملی روش‌شناسی تحقیق در رهبری و مدیریت اسلامی؛ دانشگاه تهران؛ ۲۰ خرداد ۱۳۸۷
- [۴] سلجوقی، سیدمحمد؛ مبانی و اصول سرپرستی، کرمان، خدمات فرهنگی کرمان، ۱۳۸۵، چاپ چهارم، ص ۲۲
- [۵] رضاییان، علی؛ اصول مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۸۴، چاپ هفدهم، ص ۲۸.
- [۶] رضانی، محمد علی، تبیین رابطه علم و دین در مدیریت اسلامی، مجموعه سخنرانی مدیریت اسلامی، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۷، هیأت مروّجان رهبری و مدیریت اسلامی
- [۷] کاتلر، فیلیپ (۱۳۸۵)، دایره‌المعارف بازاریابی از A تا Z، مترجم: عبدالحمید ابراهیمی، هرمز مهرانی، احمد درخشان، انتشارات همای دانش، چاپ اول.
- [۸] میرابی، وحید رضا (۱۳۸۲)، مدیریت (مبانی و استراتژی)، انتشارات شهر آشوب، چاپ دوم، تابستان
- [۹]. موسوی سریزدی، سیده‌جمیله؛ اصول سرپرستی، تهران، ترمه، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۸.
- [۱۰]. واکاوی و بازشناسی فرهنگ و مدیریت جهادی، حوزه نمایندگی ولی فقیه وزرات جهادکشاورزی
- [۱۱] Wren, DA (1972). The evolution of management thought, New York: The Ronald Press Co, pp 215-217